

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان ۹۶، صفحات ۱۱۱-۱۳۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۷/۱۴

شاه عباس اول و هنر موسیقی

مقصودعلی صادقی گندمانی^۱

میمنت حسن شاهی^۲

چکیده

هنر موسیقی عصر شاه‌عباس همچون دیگر عرصه‌های هنر این دوران از سیاست و خطمشی سیاسی نهاد قدرت تاثیر پذیرفت. بررسی منابع موجود از توجه و علاقه ویژه شاه‌عباس اول به هنرهای گوناگون از جمله هنر موسیقی پرده بر می‌دارد و سازندگان، نوازندگان و خوانندگان را از جمله گروه‌هایی معرفی می‌نماید که در سایه لطف، توجه و اقبال شاه‌عباس از جایگاهی در خور توجه در دربار صفوی برخوردار گردیده، به هنرنمایی و فعالیت در عرصه موسیقی پرداخته‌اند. کاربردهای مختلف موسیقی که در مراسم گوناگون به‌ویژه در اعیاد و جشن‌های ویژه و مراسم تشریفاتی مورد استفاده قرار می‌گرفت، از رونق و رواج موسیقی در عصر شاه‌عباس از یک‌سو و حمایت، توجه و رغبت وی به موسیقی و فعالان و دست‌اندرکاران این عرصه هنری از دیگر سو خبر می‌دهد. نوشتار حاضر بر آن است که از طریق بررسی منابع موجود جایگاه موسیقی و موسیقی دانان را در پرتو توجه و تشویق شاه‌عباس نسبت به مقوله موسیقی آشکار نماید.

کلید واژه: شاه‌عباس اول، هنر موسیقی، موسیقی رزمی، موسیقی بزمی، صفویان.

۱- sadeghimage@yahoo.com

۲- mhsh2151@gmail.com

۱- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز

۲- دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تبریز

Shah Abbas and the Art of Music

M. A. Sadeghi Gandomani¹

M. Hasan Shahi²

Abstract

Music in the Shāh Abbas's epoch like the other areas of art was under the influence of the politics and the political lines of power institution. Examining the available sources revealed Shāh Abbas's I consideration and interest to different branches of art like music. The musical performers, singers and musicians got an elevated position in the Safavid court due to Shāh Abbas's attention and favor and they were engaged in displaying their arts. Different usage of music in various ceremonies such as the celebrations and rites gives not only notice of boom and propagation of music in Shāh Abbas's era, but also expresses his consideration and propensity to the music and musicians. The present study investigated the available resources to examine the position of the music and the musicians in the Shāh Abbas's court.

Keywords: Shah Abbas I, Art of Music, Martial Music, Festive Music, Safavid.

1 - Associate professor of History, University of Tabriz
2 - PhD student of History, University of Tabriz

Email:sadeghimage@yahoo.com
Email:mhsh2151@gmail.com

مقدمه

عصر صفوی از ادوار هنری درخشان و شایان توجه تاریخ ایران زمین به شمار رفته، هنردوستی و هنرپروری شاهان و شاهزادگان این سلسله از عوامل اصلی این پویایی و درخشش هنری محسوب می‌گردد. از جمله هنرهای مطرح و مورد توجه این زمان می‌توان به هنر موسیقی اشاره نمود که در سایه حمایت و هنرپروری اعضای خاندان سلطنتی و وابستگان نهاد قدرت از رونق و پویایی قابل توجهی برخوردار گردید. بررسی و مطالعه منابع این دوره، در سطحی قابل توجه جایگاه موسیقی، موسیقی‌دانان و انواع آلات موسیقی را روشن می‌نماید. با این وجود و علیرغم پژوهش‌های گسترده انجام شده در عرصه هنر ایران عصر صفوی، هنر موسیقی هم‌چنان نیازمند تحقیق و پژوهش بیشتر می‌باشد، تا ابعاد و زوایای این عرصه هنری نیز بر علاقمندان آشکارتر گردد. در این میان هر چند پژوهش‌های قابل توجهی در خصوص موسیقی عصر صفوی انجام پذیرفته است که از آن جمله می‌توان به کتاب موسیقی عصر صفوی تألیف حسین میثمی و مقاله «شاهان صفوی و موسیقی» تألیف قنبرعلی رودگر و علی محمدی اشاره نمود، اما نحوه ارتباط موجود میان نهاد قدرت و هنر در این عصر همچنان شایسته بحث و بررسی بیشتر می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر به دنبال ارائه نگرشی کامل‌تر و جامع‌تر در زمینه رابطه هنر موسیقی و نهاد قدرت و تعامل این دو متغیر در زمان شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ هـ.ق) به‌عنوان برجسته‌ترین و شاخص‌ترین چهره این سلسله برآمده است. مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سوال می‌باشد که حمایت و توجه مقام شاهی از هنر موسیقی چه تاثیری بر رونق و حیات این عرصه از هنر و هنرمندان این شاخه هنری داشته است. در جمع‌آوری اطلاعات ارائه شده در این پژوهش شیوه کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته است.

حیات سیاسی - فرهنگی شاه‌عباس اول

شاه‌عباس اول در شب دوشنبه اول رمضان ۹۷۸ هـ.ق در هرات دیده به جهان گشود (حسینی قمی، ۱۳۵۹: ۵۶۶/۱). پدرش سلطان محمد خدابنده فرزند شاه‌تیماسب صفوی و مادرش خیرالنساء بیگم ملقب به مهدعلیا بود (مستوفی، ۱۳۷۵: ۹۵، ملاجلال، ۱۳۶۶: ۲۲،

رویمر، ۱۳۹۰: ۱/ ۹۲ و ۹۰). نسب شاه‌عباس از جانب مادری به سید قوام‌الدین میربزرگ می‌رسید. شایان ذکر است که والی مازندران میر عبدالله خان نیز پدربزرگ مادری شاه‌عباس بوده است (مستوفی، ۱۳۷۵: ۹۵، فلسفی، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۰-۱۹). شاه‌عباس در حالی که کمتر از دو سال از عمرش را سپری کرده بود از جانب شاه‌تهماسب به‌عنوان حاکم خراسان انتخاب گردید و تحت سرپرستی شاه‌قلی سلطان استاجلو، که به‌عنوان لاله وی برگزیده شده بود به عنوان حاکم هرات انتخاب گردید (شاملو، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۱۹، ولش، ۱۳۸۵: ۲۱۰).

هرات به دلیل داشتن خاک حاصلخیز، دام‌های مرغوب، مزارع گسترده و برخورداری از ثروت درخور توجه یکی از مناطق مورد توجه دولتمردان صفوی به‌شمار می‌رفت. افزون بر آن موقعیت اقتصادی و استراتژیک منطقه، هم به‌عنوان مرکز تجارت در مسیر تجاری آسیای مرکزی و منطقه‌ای حایل جهت حفظ سرحدات شرقی و دفاع در برابر ازبکان و حفظ خراسان به عنوان ایالتی مهم، اهمیتی دو چندان به منطقه بخشیده بود. تا آن‌جا که هرات در این زمان به‌عنوان دارالسلطنه صفوی انتخاب شد و تا زمان شاه‌عباس اول ولیعهد دولت صفوی در آن ایالت پرورش و تربیت می‌یافت و تحت نظارت سرپرست و لاله خویش امور این ایالت را اداره می‌نمود. هرات، مرو، مشهد و قندهار چهار بیگلربیک نشین اصلی و مهم، نقش دفاعی مرزهای شرقی کشور را به‌عهده داشتند. به‌علاوه هرات به‌عنوان پایتخت فرهنگی سیاسی خاندان تیموری و مرکز ایالت خراسان نیز دارای ارزش و اهمیت چشمگیر به‌شمار می‌رفت، از این رو صفویان اهمیت ویژه‌ای برای هرات قائل بودند و با گماردن شاهزادگان صفوی به حکومت هرات، این منطقه را به دارالسلطنه‌ای ارزشمند تبدیل ساخته بودند. در تعقیب این سیاست، شاه‌عباس اول دوران کودکی و نوجوانی خویش را در هرات سپری نمود و تحت نظارت سرپرستان خود شاه‌قلی سلطان استاجلو و سپس علی‌قلی خان شاملو، مهارت‌های لازم برای سوارکاری، تیراندازی و شمشیر بازی را فراگرفت و در فنون شکار و چوگان نیز ورزیده شد. از دیگر جنبه‌های آموزشی شاه‌عباس در هرات، فراگیری مهارت‌های هنری و فنی بود. به‌علاوه وی با ساختن تفنگ، شمخال، افسار و زین اسب آشنایی داشته است. ظاهراً شاهزاده صفوی این قبیل مهارت‌ها را از صنعتگران کارگاهی هرات فرا گرفته بود. چنین می‌نماید که شاه‌عباس تحت سرپرستی علی‌قلی خان شاملو که

کتابخانه‌ای بزرگ در هرات برپا داشته شاعران، نقاشان و خطاطان برجسته را در آن به کار گرفته بود، در زمینه نقاشی و خطاطی آموزش‌هایی دیده و به این هنرها علاقمند گردیده باشد (بلو، ۱۳۹۰، ۳۳-۳۴).

از شواهد و قراین موجود چنین مستفاد می‌گردد که شاه‌عباس به هنر موسیقی نیز توجه و علاقه بسیار نشان می‌داد و هر زمان از امور مملکتی فراغتی حاصل می‌نمود به مجلس بزم و طرب می‌نشست، تا آن‌جا که خاطر نوازندگان و موسیقی‌دانان مستعد و توانا را پاس می‌داشت و همواره ایشان را به محفل خود بار می‌داد. به علاوه خود نیز شخصا نسبت به فن موسیقی و رموز نوازندگی آگاه بود. تا آن‌جا که بعضاً به نواختن ساز و ساختن تصنیف می‌پرداخت و در این زمینه شخصیتی آگاه و متبحر به شمار می‌رفت. ظاهراً این شاه توانمند و مقتدر صفوی با وجود آن‌که در برخی از علوم و هنرهای رایج عصر از جمله هنر موسیقی به صورت رسمی آموزش و تعلیم نیافته بود اما استعداد و تبحر خاصی در این قبیل هنرها و علوم گوناگون داشت و خصوصاً در عرصه تصنیف الگو و محل ارجاع مصنفان عصر به‌شمار می‌آمد (اوحدی بلیانی، ۱۳۷۸: ۲۵۸۸/۴).

به‌دنبال قتل اسماعیل دوم و خیرالنساء بیگم همسر سلطان محمد خدابنده، تلاش برای به‌دست گرفتن قدرت در دو شهر قزوین و خراسان توسط سران قزلباش جهت به تخت نشاندن شاهزادگان تحت حمایت خود شدت یافت. در خراسان دو ایل استاجلو و شاملو نسبت به عباس میرزا که در این زمان در سن ده سالگی به سر می‌برد سوگند وفاداری یاد کردند و نسبت به حکومت مرکزی علم طغیان برافراشتند. (۹۸۹ هـ ق)، هرچند سلطان محمد خدابنده و حمزه میرزا در رأس سپاهی عازم خراسان شده و موقتاً شورش را فرو خوابانیدند، اما بلوهای سیاسی همچنان ادامه یافت. در شعبان ۹۹۳ هـ ق مرشدقلی خان استاجلو با شکست و فریب علی‌قلی خان شاملو رقیب خود، موفق شد عباس میرزای ۱۴ ساله را نزد خود برده (منشی‌ترکمان، ۱۳۵۰: ۲/ ۲۵-۴۲۴، ۷۰-۴۶۹، سیوری، شاملو، ۱۳۷۲/۲۴-۱۲۳) پس از استقرار شاهزاده صفوی در هرات، مرشدقلی خان استاجلو به آموزش و پرورش وی همت گماشت و معلمان و اساتید برجسته هر فن را به تعلیم او برگماشت. از این میان می‌توان به «جناب مجتهد الزمانی، مظهر آیات شریعت دین پروری

... عبدالله ششتری را که در آن اوان پیشوای فاضل و مقتدای علمای ذوی‌الفضایل بود» (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۲۶۴) اشاره نمود. در همین اثنا عباس‌میرزا به فراگیری فنون خوشنویسی نیز نایل گردید. شایان ذکر است که در تمام مدت اقامت شاهزاده عباس‌میرزا در هرات مراسم جشن و سرور با حضور خوانندگان و نوازندگان جهت تفریح خاطر وی برقرار بود (همان). همین امر زمینه‌ساز آشنایی و علاقمندی شاه‌عباس به عرصه موسیقی و هنرمندان این فن گردید.

پس از انتقال شاهزاده عباس‌میرزا به اردوی استاجل‌وها و افزایش حملات ازبکان به هرات، مرشدقلی خان، خطر برپایی کودتا علیه شاه‌محمد خدابنده را پذیرا شد و به قزوین هجوم برد. نتیجه امر واگذاری تاج و تخت سلطنت از جانب شاه‌محمد خدابنده به فرزندش عباس‌میرزا بود. بدین ترتیب عباس‌میرزا صفوی در ۲۰ ذی‌قعدة ۹۹۶ هـ ق با نام شاه‌عباس اول در قزوین بر تخت سلطنت نشست (شاملو، ۱۳۷۲: ۲۹/۱-۱۲۶، سیوری، ۱۳۷۹: ۷۲). شاه‌عباس پس از جلوس به تخت سلطنت و سرکوب متجاوزان خارجی و آشوبگران داخلی، اوضاع کشور را سر و سامان بخشید و پس از یک سلسله جنگ و درگیری موفق به برقراری امنیت و آرامش در قلمرو صفوی گردید. وی همچنین درصدد جلب بزرگان، علما و دانشمندان برآمده «اریاب کمال را مقرب درگاه خود نموده، فضلاء، منجمان، خوش‌نویسان، نقاشان و موسیقی‌دانان را مورد لطف و عنایت خویش قرار داد.» (منجم‌یزدی، ۱۳۶۶: ۷).

آن‌چنان که ذکر گردید پرورش یافتن در محیط هنرپرور هرات که از زمان تیموریان پایتخت فرهنگی و هنری ایران به‌شمار می‌رفت، شاه‌عباس را از ابتدای کودکی با هنرهای گوناگون آشنا و درگیر ساخته، طبعی هنردوست و هنر پرور به وی ارزانی داشته بود. در سایه همین تربیت و روحیات و پس از غلبه بر مشکلات گوناگون سیاسی و اقتصادی، شاه‌عباس توانست با فراغ خاطر نسبی به بعد فرهنگی مملکت‌داری خویش نیز توجه نماید. در این راستا هنرمندان گوناگون را به نزد خود فراخواند و از وجود آنان برای سرور، آرامش، شادی و نشان دادن عظمت و شکوه پادشاهی خود بهره جست. در این میان به‌ویژه فعالان عرصه‌های مختلف موسیقی پس از فترت گونه‌ای که به‌دنبال توبه شاه‌تهماسب اول گریبان‌گیر آنان گردیده بود، فرصتی بسیار مناسب به‌دست آوردند تا مجدداً با فراغ بال

فراوان به فعالیت و هنرنمایی پرداخته، هنر خویش را به هنردوستان و ولی نعمتان خود عرضه نمایند. تألیف چند رساله و تصنیف در موسیقی در این زمان از شواهد آشکار این فضای باز فرهنگی و حمایت و پشتیبانی چشمگیر شاه صفوی از هنر موسیقی می باشد. هر چند در یک طبقه بندی کلی می توان موسیقی این دوران را به سه شاخه موسیقی رزمی، بزمی و مذهبی تقسیم نمود، اما با توجه به اندک و ناچیز بودن مطالب ارایه شده در منابع عصر صفوی در خصوص موسیقی مذهبی و مواجه بودن پژوهشگر با کمبود محسوس اطلاعات، مطالب نوشتار حاضر به بررسی موسیقی بزمی یا مجلسی و با تفصیل کمتر به موسیقی نظامی اختصاص یافته است.

موسیقی بزمی

پیش از ورود به بحث در خصوص موسیقی بزمی ارائه تعریفی کلی از موسیقی مناسب می نماید. واژه خنیاگری واژه ای باستانی می باشد که معنی نوازندگی، آوازخوانی و مطربی از آن مستفاد می گردد. خنیاگر نیز به معنی نوازنده، سازنده، خواننده، سرودگر، رامشگر و معنی به کار رفته است. خنیاگری گستره ای وسیع از موسیقی، آواز، شعر و داستان سرایی و رقص را شامل می گردید. گستره ای که در ارتباط با امور بزمی، رزمی، مذهبی، شادی و اندوه قرار داشته است (امان اللهی بهاروند، ۱۳۸۷: ۱۵، ۱۳). همچنین واژه هونیاک یا هونیاکی، معادل موسیقی و از دو جزء هو به معنی خوب و خوش و نیا به معنی نوا و سرود ترکیب یافته است و معنای تحت اللفظی خوش نوایی از آن برداشت می گردد. واژه هونیاکی به معنای نواگر به کار گرفته شده به تدریج به صورت خنیاگر و خنیاگری درآمده است (خاتمی، ۱۳۹۰: ۲۳۳). در مجموع موسیقی را می توان ترکیبی از شعر و آواز، نواختن ساز و خوانندگی در نظر گرفت که در موقعیت های گوناگون شادی و اندوه، جشن و سرور، تشریفات و جشن های مختلف کاربرد داشته است. آن چه که از خلال نوشته های منابع عصر صفوی به ذهن متبادر می شود این نکته است که تقریباً تمامی شاهان و شاهزادگان این خاندان و اکثریت امرا و حکام تحت امر آنان موسیقی را به مثابه رسانه و ابزاری برای تفریح خاطر، خوش گذرانی، نمایاندن جلال و شکوه حکومت خویش به کار برده و تحت حمایت قرار داده اند، صرف نظر از انگیزه دولتمردان صفوی در حمایت از موسیقی، در این عصر موسیقی دانان برجسته فراوانی در

عرصه هنری ظهور کرده و تصانیف بسیار و رسالاتی چند در زمینه موسیقی تألیف نمودند که هرچند به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران عرصه موسیقی حرف تازه‌ای برای گفتن نداشته‌اند، به هر روی از رونق حیات موسیقایی و توجه و رغبت به این عرصه هنری در عصر صفوی حکایت دارند.

ردپای موسیقی بزمی که می‌توان با توجه به کارکردهای متنوع آن را به مثابه موسیقی مطربی، تشریفاتی، آئینی، درباری و مجلسی نیز در نظر گرفت، در خلال اطلاعات ارائه شده توسط منابع تاریخی، تذکره‌ها و سفرنامه‌های عصر صفوی و در موقعیتهای گوناگون قابل مشاهده و پیگیری می‌باشد و اطلاعات موجود در این قبیل منابع از برپایی مجالس جشن و طرب و شادمانی با حضور خوانندگان، نوازندگان و رقاصان پرده بر می‌دارد. ظاهراً این نوع از موسیقی از جمله در مراسم استقبال و گرامی‌داشت مهمانان، سفر و فرستادگان خارجی کاربرد برجسته و فراوان داشته است. آنچه پیش از ورود به بحث موسیقی در زمان شاه‌عباس شایسته یادآوری می‌باشد توجه به این مسأله است که هنر موسیقی و به‌ویژه موسیقی بزمی و مجلسی در زمان اسلاف شاه‌عباس اول نیز از رونق و رواج قابل توجه برخوردار بوده است و هنرمندان عرصه‌های مختلف موسیقی در دربار شاهان صفوی از جایگاه مناسب و شایسته‌ای برخوردار بوده‌اند. تا آن‌جا که در سفر و حضر اردوی شاهی را همراهی می‌نمودند و همواره از ارکان حاضر و فعال زندگی درباری به‌شمار می‌رفتند. در این میان شاید بتوان وقفه کوتاهی که در زمان شاه‌تیماسب اول در عرصه حیات و فعالیت موسیقایی دوران صفوی تا پیش از روی کار آمدن شاه‌عباس اول رخ نمود را استثنایی موقت دانست. جز مواردی که در خلال منابع از تحریم موقت موسیقی در این زمان عاید خواننده می‌گردد، تقریباً تمامی منابعی که به بحث از هنر و فرهنگ عصر صفوی پرداخته‌اند از رونق موسیقی و اقبال دولتمردان صفوی نسبت به این هنر سخن رانده‌اند.

جایگاه موسیقی در آیین‌های استقبال از میهمانان خارجی شاه‌عباس

از جمله کاربردهای موسیقی در زمان شاه‌عباس اول که نمود بارزی از تعامل هنر و قدرت در این زمان به‌شمار می‌رود استفاده از هنرنمایی هنرمندان عرصه موسیقی در آئین

استقبال از میهمانان خارجی بوده است. نشان دادن شکوه و جلال دربار صفوی و فراهم ساختن موجبات سرگرمی و تفریح خاطر حاضران و مهمانان دربار شاهی می‌تواند به‌عنوان مهمترین انگیزه در کاربرد موسیقی در اینگونه آئین‌ها در نظر گرفته شود.

گزارش‌های برجای مانده از جهانگردان و سفرای خارجی از جایگاه و اهمیت موسیقی و هنرمندان این عرصه در عصر شاه‌عباس و دیگر شاهان صفوی پرده بر می‌دارند. طبق گزارش‌های دلاواله، وی و همسرش پیش از شرفیابی به‌حضور شاه‌عباس اول، مدتی را در همدان سپری نمودند. در خلال این مدت داروغه شهر گروهی از زنان نوازنده و خواننده را جهت سرگرمی و انبساط خاطر ایشان به‌حضور آنان فرستاد. ظاهراً این گروه ماموریت داشتند جز در مواقع استراحت، با اجرای برنامه و هنرنمایی موجبات سرگرمی دلاواله و همراهانش را فراهم نمایند. (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۲-۲۱). به گفته دلاواله در باغ مربع شکل واقع در پشت کاخ فرح‌آباد مازندران، دیوان‌خانه شاهی محل ملاقات مهمانان و سفرای خارجی با شاه-عباس بود که در مراسم استقبال و پذیرایی از آنان دسته‌های خواننده و نوازنده برای خلق لحظات خوش و خاطره‌انگیز حضوری فعال و دایمی داشتند. به گونه‌ای که حتی هنگام صرف وعده‌های غذایی نیز گروه سازندگان و نوازندگان به اجرای برنامه‌های خویش ادامه می‌دادند. از نوشته‌های دلاواله چنین بر می‌آید که زنان خواننده و دایره‌زن نیز بخشی از هنرآفرینان مجلس شاهی را تشکیل می‌دادند (دلاواله، ۱۳۷۰، ۲۶، ۲۲۳-۲۱۷، ۳۴۰).

در ورود هیات دن‌گاریا فرستاده دولت اسپانیا به شهر لار (۱۰۲۳ ه.ق) نیز دسته موزیک با اجرای برنامه به استقبال هیأت اسپانیایی رفتند و با شیپور، نی‌انبان، دایره زنگوله‌دار و دف، نوعی موسیقی دسته جمعی اجرا نمودند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۸۶-۸۴). دن‌گاریا و هیأت همراه در مسیر حرکت به سمت اصفهان به مدت سه روز در اکبرآباد واقع در یک فرسنگی شیراز توقف نمودند. در این مکان نیز رقاصان و نوازندگان به‌عنوان بخشی از برنامه استقبال و گرامی‌داشت، به اجرای برنامه پرداختند. در کاخ شاهی شیراز نیز مراسم مشابهی به افتخار حضور فرستاده پادشاه اسپانیا اجرا گردید (همان: ۱۳۲ و ۱۲۹). آنچه از نوشته‌های دن-گاریا در خصوص سبک زندگی حکام و شاهان ایران مستفاد می‌گردد این مساله است که پادشاهان و امرای ایرانی به استثنای زمانی که در جنگ و ستیز به‌سر می‌برده‌اند، مابقی

روزگار را در عیش و عشرت سپری می‌نمودند. در این میان اهل موسیقی و طرب جز لاینفک این قبیل مراسم بوده‌اند. این امر از اهمیت و ضرورت وجود ارباب و اصحاب عرصه موسیقی در خدمت دولتمردان صفوی پرده بر می‌دارد. در مراسم پذیرایی و استقبال از هیات اسپانیایی در قزوین به سال ۱۰۲۸ هـ.ق نیز مراسم جشن و سرور همراه با موسیقی و خوانندگی برگزار گردید، ظاهراً یکی از عادات شاه عباس پذیرایی از سفرای خارجی و میهمانان در قهوه‌خانه‌های اصفهان بوده است (همان: ۳۴۲ و ۲۷۳ و ۱۵۶). قهوه‌خانه‌های میدان نقش جهان از جمله مکان‌هایی بود که شاه عباس اول برای سرگرم کردن خود و میهمانانش در آن‌جا حضور می‌یافت. در این مکان رقاصان، نوازندگان، شعبده‌بازان و پسر بچه‌هایی با پوشش رنگارنگ و زنانه به اجرای برنامه می‌پرداختند. قهوه‌خانه همچنین مکانی برای نوشیدن چای، کشیدن قلیان، بحث سیاسی و شعرخوانی بود (Blunt, 1966: 62).

در سال ۱۰۲۰ هـ.ق نیز، زمانی که ولی‌محمدخان ازبک به نزد شاه‌عباس باریافت به دستور شاه ایران به مناسبت ورود وی مجلس جشن و ضیافت باشکوهی برپا گردید. در این مراسم نیز به روش معمول نوازندگان، خوانندگان و رقاصان به اجرای نوازندگی و خوانندگی پرداخته موجبات سرور و انبساط خاطر حضار و میهمانان را فراهم آوردند. «جناب خانی با چند نفر از خواص و ملازمان و مقربان به آن محفل جنت‌نشان در آمده، نواب همایون اعلی به نفس نفیس در آن انجمن بهجت‌فزای بی‌تکلفانه به مجلس‌آرایی توجه می‌نمودند و پرچهرگان لاله‌عذار در آن عشرت‌سرای شادمانی اقداح راح ریحانی و جرعه‌های دوستگانی به گردش آورده، مطربان خوش‌آهنگ و مغنیان تیزچنگ به نوای دلگشا زنگ‌زدای خواطر گشته، حوروشان خراسانی و عراقی به رقاصی درآمده، خرامش و جلوه‌گری آغاز نمودند.» (منشی ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۲/۳۸-۸۳۶).

در مراسم استقبال از برادران شرلی و هیات همراه نیز به دستور شاه‌عباس گروه‌های موسیقی متشکل از نوازندگان، خوانندگان و رقاصان حضوری فعال و پر رنگ داشتند. هم‌زمان با به میان آوردن خوانچه‌های ضیافت، طبل و نقاره‌ها توسط نوازندگان این آلات به صدا درآمد و به دنبال آن مطربان به اجرای برنامه پرداختند. در این مراسم رامشگران با

لباس‌های فاخر تا پایان مراسم جشن به رقص و پایکوبی ادامه دادند و در تمامی طول اجرای مراسم، نوازندگان به نواختن آلات موسیقی مشغول بودند (مموار، ۱۳۳۰: ۷۵). در مسیر حرکت از قزوین به اصفهان، شاه‌عباس به همراهی هیات آنتونی شرلی وارد کاشان شد. در این شهر استقبال و پذیرایی بی‌نظیری از شاه صفوی و همراهان او به عمل آمد. در کاشان نیز همچون قزوین همراه با نواختن طبل و کرنای، خواننده‌های میهمانی به میان آورده شد. در بدو ورود هیات به اصفهان و در سه فرسنگی این شهر نیز سربازان شاهی به استقبال شاه‌عباس آمدند و به محض مشاهده او شروع به نواختن طبل و کرنای نمودند. (همان، ۸۳ و ۸۰). ظاهراً نواختن طبل و نقاره برای دوچندان جلوه دادن شکوه و عظمت تشکیلات خاندان سلطنتی صفوی بوده است. از گزارش‌های موجود چنین استنباط می‌گردد که هنر موسیقی نیز همچون دیگر عرصه‌های هنر در نقش رسانه‌ای فعال و موثر در خدمت سیاست هنری دولتمردان صفوی قرار داشته و به نحوی مفید و شایسته در نمایاندن رونق، شکوه و آرامش حاکم بر قلمرو دولت صفوی ایفای نقش نموده است.

کاربرد موسیقی در جشن‌ها در زمان شاه‌عباس اول

ظاهراً برگزاری جشن و سرور و پرداختن به عیش و نوش پس از پیروزی بر مخالفان داخلی نیز در ایران عصر صفوی امری بی‌سابقه نبوده است. در عصر شاه‌عباس اول نیز بر همین منوال به دنبال خودسری و نافرمانی یعقوب بیگ ذوالقدر حاکم فارس و لشکرکشی شاه عباس برای سرکوب وی و فائق آمدن بر یعقوب خان، بساط عیش و عشرت و شادمانی در شیراز برپا گردید. «نواب اعتمادالدوله الخاقانیه میرزا لطف‌الله عضدی میهمان نواب کلب آستان علی اقدام نموده به رسم پیشکش و پانداز قریب به سه هزار تومان از نقد و اقمشه و امتعه و اسب و اشتر گذرانید و تا نصف شب در خانه مشارالیه به ساز، صحبت، عیش و عشرت مشغول بودند...» (ملاجلال، ۱۳۶۶: ۹۴).

پس از آن موکب شاهی به سمت یزد حرکت کرده، حکام آن دیار نیز به یمن ورود موکب شاهانه اسباب عیش و نشاط و موجبات فرح و انبساط برپا نموده، مجالس ساز و آواز و موسیقی به همراه دیگر تفریحات و سرگرمی‌ها برقرار نمودند، شاه عباس با این ترتیبات

یک ماه را در یزد گذرانید. (۹۹۹ ق) (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۳۶۶، ۵۱-۳۵۰).

در سال ۱۰۱۶ هـ ق نیز به‌دنبال پیروزی شاه‌عباس اول بر سپاه عثمانی در باغ تاج‌آباد اصفهان به مدت چندین روز مراسم جشن و سرور و خوشگذرانی برپا بود. از حضور زنان آوازه‌خوان و ارباب طرب و اصحاب محفل‌آرایی و شادی در این مراسم گزارش‌هایی موجود می‌باشد (ملاجلال، ۱۳۶۶: ۳۱-۳۳۰).

چنین می‌نماید که علاوه بر جشن‌های پیروزی، حضور موكب شاهی در شهرها و ایالات نیز بهانه‌ای برای برقراری جشن و مجالس جشن و طرب بوده است و هنرمندان عرصه موسیقی موظف به اجرای برنامه و برپایی مراسم شادباش و خوشامدگویی به شاه صفوی و همراهان وی بوده‌اند. در بهار ۱۰۱۵ هـ ق شاه‌عباس اول اصفهان را به مقصد شکار و تفریح در ایالت مازندران ترک نمود. اردوی سلطنتی در مسیر این سفر در کاشان مورد استقبال و پذیرایی گرم و شایان توجه بزرگان و اعیان کاشان قرار گرفت و در مجلس بزمی که به مناسبت ورود شاه صفوی برپا گردید شرکت نمود. در این مراسم نیز طبق روال معمول نوازندگان و آوازخوانان به اجرای برنامه و هنرنمایی پرداختند و با نواختن عود و چنگ و قانون موجبات انبساط خاطر مقام شاهی را فراهم نمودند (مستوفی‌باقفی، ۱۳۴۰: ۸۴/۳-۱۸۳). به‌نظر می‌رسد که محتوای شعر و آوازه‌هایی که در این مراسم اجرا می‌گردید بر محور مدح، ستایش و تکریم شاه صفوی استوار بوده باشد و این مهم از سیاست هنری شاه صفوی حکایت دارد. چرا که اولین وظیفه هنر انعکاس خواست و اهداف حامیان این رسانه نیرومند و تاثیرگذار بود و چنان‌چه یکی از مهم‌ترین وظایف و رسالت این رسانه را برجسته نمودن شکوه و عظمت خاندان شاهی صفوی بدانیم، اهمیت محتوای برنامه‌های هنری، آوازه‌ها و سرودهایی که در مراسم گوناگون به اجرا در می‌آمد بهتر آشکار می‌گردد.

از دیگر کاربردهای موسیقی در این زمان می‌توان به برپایی مراسم و جشن عروسی اشاره نمود که مغنیان و آوازخوانان با نواختن آلاتی چون نای، کمانچه، دف، بربط، موسیقار، عود و چارترار به اجرای برنامه می‌پرداختند (نصیری، ۱۳۷۳: ۴۳). به گفته اروج بیگ بیات در مراسم ازدواج افراد طبقه ممتاز برای مردان و زنان اتاق‌های جداگانه‌ای جهت انجام مراسم

جشن و شادی در نظر گرفته می‌شد. در اتاق مردان که باز بود و با زینت فراوان آراسته می‌گردید، رقص‌های مختلف اجرا می‌شد و بر سر جوانان رقصنده سکه‌هایی پاشیده می‌گردید که هیچ‌کس جز دسته نوازندگان اجازه برداشتن آنها را نداشت. بدین طریق نوازندگان با پایکوبی جوانان برای خود اندوخته بسیاری جمع‌آوری می‌نمودند. ظاهراً در قسمت مربوط به بانوان نیز مراسم جشن و پایکوبی مشابهی انجام می‌گرفت (بیات، ۱۳۳۸: ۷۹-۷۸). حق انحصاری نوازندگان برای جمع‌آوری سکه‌هایی که در این مراسم مورد استفاده قرار می‌گرفت به نوعی از جایگاه و اهمیت اهالی دنیای موسیقی در دربار صفوی حکایت می‌نماید.

در منابع مختلف، مراسم شکار یکی از تفریحات مورد علاقه شاهان صفوی از جمله شاه‌عباس اول معرفی گردیده است. در طول این مراسم که باشکوه خاصی برگزار می‌گردید نیز یا گروه موسیقی اردوی شاهی را همراه می‌نمود، یا میزبانان محلی با تدارک برنامه‌های استقبال که موسیقی و رقص و آواز نیز بخشی از آن محسوب می‌گردید، موجبات شادمانی و رضایت خاطر شاه را فراهم می‌نمودند. از آن جمله زمانی که شاه‌عباس در سال ۱۰۰۳ هـ ق به قصد تفریح و شکار روانه خطه گیلان گردید، فرهادخان قراملو حاکم گیلان، به تهیه مقدمات میزبانی و فراهم نمودن بساط میهمانی اقدام نمود. در مراسمی که به مناسبت حضور شاه صفوی در حوالی طارم برگزار گردید نوازندگان و خوانندگان با آوازخوانی و نواختن سازهای مختلف مناسب مراسم شادی و طرب از جمله سنتور، تنبور، رباب و بربط به همراهی دیگر ارباب اهل طرب مجلسی پر شور و شغف ترتیب دادند. با نزدیک شدن شاه‌عباس به شکارگاه معروف بزنگول نیز نوازندگان با نواختن طبل و نای حضور شاه صفوی را گرامی داشتند (منشی‌ترکمان، ۱۳۵۰: ۹۲/۲-۴۹۳؛ هدایت، ۱۳۳۹: ۸/ ۲۸۲ و ۲۷۹). تأمل در گزارش‌هایی از این دست از حضور و اهمیت اهل طرب و خوانندگان و نوازندگان درباری در همراهی با اردوی سلطنتی حکایت دارد و هنر موسیقی را در هنری وابسته و در خدمت و همراهی نهاد قدرت نشان می‌دهد.

عید نوروز نیز به‌عنوان سنتی دیرینه و پرتطرفدار از جمله موقعیت‌هایی به‌شمار می‌رفت که موسیقیدانان را برای سرور و التذاد و خدمت به ولی‌نعمتان خویش در این‌راستا به صحنه

می‌آورد. در سفرنامه‌های تألیف یافته در عصر صفوی گزارش‌هایی پیرامون عید نوروز و مراسم مرتبط با آن بیان گردیده است. از مندرجات سفرنامه‌ای که کاتف از خود به یادگار نهاده است چنین بر می‌آید که عید نوروز از جمله اعیادی بود که در طول حکمرانی صفویان با شکوه و عظمت فراوان جشن گرفته می‌شد. در شب عید مردم تا صبح بیدار مانده و به تفریح می‌پرداختند. نواختن سرنا، شیپور و نقاره بخشی از مراسم عید نوروز بود. (کاتف، ۲۵۳۶ ش: ۷۴) نواختن این قبیل آلات علاوه بر ایجاد فضای شادی و طرب در میان اتباع دولت صفوی، آگاه ساختن آنان از حلول سال نو و مجاز دانستن برپایی مراسم مرتبط با عید نوروز و سال جدید را خاطر نشان می‌سازد.

از گزارش‌های ارایه شده توسط اسکندریگ منشی نیز شکوه و عظمت این عید و برنامه‌های مرتبط با آن آشکار می‌باشد. از جمله در مراسم جشن و سرور عید نوروز ۱۰۱۷ ه.ق به مدت نه شبانه‌روز مراسم شادی و پایکوبی برقرار بود و «نغمه‌سرایان خوش-آهنگ و مغنیان تیزچنگ به نعمات دلاویز و ترنمات شکرریز غم‌زدای خواطر بوده، گل‌رخان لاله‌عذار از باده‌های خوش‌گوار دماغ مجلسیان تر و تازه می‌داشتند.» (منشی ترکمان، ۱۳۵۰: ۷۸۰/۲)

به احتمال فراوان اعیاد و جشن‌هایی چون مهرگان و جشن آبریزان نیز همانند عید نوروز در دربار سلطنتی و دربارهای ایالتی با شور و حرارت برگزار می‌گردید. منجمان لحظه اعتدال ربیعی را محاسبه کرده، با شلیک توپ، شمخال، نواختن طبل و شیپور توسط گروه موسیقی سلطنتی، که به احتمال همان نقاره‌خانه بود، خوشامد گفته و به استقبال نوروز می‌رفتند. در این مراسم تمام درباریان ضمن در بر کردن لباس‌های فاخر نزد شاه حضور می‌یافتند و ضمن اهدای هدایای خویش سالی خوش را برای وی آرزو می‌نمودند (بلو، ۱۳۹۰: ۷۴).

تصانیف و رسالات موسیقی

در سایه توجه و علاقه شاه‌عباس به موسیقی و رعایت احترامی که وی در حق هنرمندان عرصه موسیقی اعم از نوازندگان، خوانندگان و مصنفان به‌عمل می‌آورد، چندین رساله موسیقی در عصر حکومت وی به رشته تألیف درآمد، که هرچند از نظر حجم و ارزش

نسبت به رسالاتی که پیش از روی کار آمدن صفویان در زمینه موسیقی تألیف گردیده بود، در سطحی پایین تر قرار داشت (Farhat, 1973: 5)، اما در جای خود نشانگر توجه و علاقه به موسیقی و پویندگی موسیقی در دوره صفوی می‌باشد. معرفی چند تن از بزرگترین مصنفان و سازندگان و رسالات تألیف شده در این عصر از علاقه، حمایت و توجه شاه عباس و کارگزاران وی نسبت به هنر موسیقی و جایگاه دست‌اندرکاران این عرصه در دربار صفوی پرده بر می‌دارد. از آن میان می‌توان به اشخاصی چون شاه‌مراد خوانساری، مولانا صبوری شیرازی، دوره‌بیگ کرامی و استاد محمد نایی یاد نمود. شاه مراد خوانساری از مصنفان برجسته عصر شاه‌عباس از جایگاهی برجسته و اعتباری فراوان در نزد شاه صفوی برخوردار بود، تا آن‌جا که به مناسبت تصنیفی که در وصف بهار و در دستگاه دوگاه تنظیم نمود، به دریافت خلعت و انعام از جانب شاه‌عباس مفتخر گردید. وی در «فن موسیقی و ترکیب و تصنیف و قول و عمل بی مانند بود» (نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۴۵۳).

مولانا صبوری شیرازی نیز از مصنفان بی‌بدیل و نغمه‌سنان بی‌مانند عصر صفوی بود که تصانیف بسیار در موسیقی داشته است «جمله عالی و سیر آهنگ، خود نیز به غایت مردی نامدار، خوش‌اختلاط و درویش فطرت است. ساز غنچی [غیچک] می‌نوازد و شعر درست هموار می‌گوید، هم ترکی و هم فارسی و اکثر اوقات در شیراز متوطن است و در ملازمت حکام آن‌جا چون الله‌وردی خان و پسرش امام‌قلی خان به سر می‌کند.» (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۱۳۷).

دوره بیگ کرامی سفره‌چی علی‌قلی خان شاملو، لاله‌شاه‌عباس، رساله‌ای مختصر در موسیقی برای وی سرود. دوره‌بیگ در شاعری و تصنیف نیز دستی قوی داشت (صادقی افشار، ۱۳۲۷: ۲۳-۱۲۲). سرودن این قبیل تصانیف به ارزش و اهمیت موسیقی در نزد شاه‌عباس صحنه می‌گذارد و از ارزش و جایگاه هنر موسیقی و موسیقی‌دانان در این زمان پرده بر می‌دارد.

استاد محمد نایی تبریزی یکی دیگر از برجسته‌ترین نوازندگان دربار شاه‌عباس اول، فردی آگاه به علم ادوار موسیقی و صاحب تصانیفی دشوار در این علم بوده است. استاد محمد فردی بی‌پروا و بی‌ملاحظه بود و فراتر از حد خود صحبت می‌نمود، از این‌رو به فرمان

شاه‌عباس از دربار صفوی اخراج شد و برای گذران زندگی و ادامه فعالیت هنری رهسپار هند گردید (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ۱۴۲۰/۲). تنبیهی که در حق این موسیقی‌دان برجسته و توانا و برخی دیگر از هنرمندان این عرصه اعمال گردید از سیطره نهاد قدرت بر عرصه هنر حکایت دارد و عزت و ذلت هنرمندان را در سایه توجه و اقبال یا رویگردانی مقام شاهی نسبت به ایشان، به تصویر می‌کشد.

چنین می‌نماید که فعالیت بسیاری از موسیقی‌دانان به‌صورت مستقیم با اهداف سیاسی شاهان صفوی در ارتباط بود و هنر ایشان در خدمت بزرگ‌نمایی و انعکاس شکوه و عظمت خاندان سلطنتی صفوی قرار داشته است. از جمله آقا مومن مصنف از مصنفان معاصر شاه-عباس اول که تصانیفی در وصف فرح‌آباد، اشرف‌آباد و عباس‌آباد برای شاه‌عباس ساخت. از شواهد امر چنین بر می‌آید که ساخت تصانیف در مورد اماکنی که به‌دستور و خواست شاهان صفوی پدید آمده، بخشی از وظایف مصنفان بوده است (میثمی، ۱۳۸۹: ۵۱).

از جمله رسالات تألیف شده در این دوره می‌توان به کتاب انیس الارواح اثر ابراهیم کاشف‌الدین محمد یزدی اشاره نمود که امروزه تنها مقدمه آن باقی مانده است، رساله بهجت الروح نیز در همین زمان به رشته تألیف درآمده، در عرصه موسیقی نظری در بردارنده نظرات صفی‌الدین ارموی و خواجه عبدالقادر مراغی می‌باشد، اما در عین حال از نظر نثر و شیوه نگارش کتابی ارزشمند به شمار می‌رود (الوندی، ۱۳۹۱: ۵۴). رساله بهجت الروح، که توسط عبدالمومن بن صفی‌الدین پدید آمد، خصوصاً در زمینه سازشناسی عصر صفوی دارای ارزش و اهمیت فراوان می‌باشد. در این رساله از سازهایی چون ارغنون، شترغو، تنبور، عود، نای هفت بند، بلیان سرنا، چنگ و چغانه نام برده شده است (عبدالمومن بن صفی‌الدین، ۱۳۴۶: ۱۱۰، ۹۰).

بزرگان عرصه موسیقی

همچنان که ذکر گردید روحیه هنردوست و هنرپرور شاه‌عباس روحی تازه در کالبد نیمه جان هنر عصر صفوی دمیده، به هنرهای گوناگون مجال خودنمایی و ظهور مجدد داد. چه به دنبال توبه شاه‌تهماسب اول و فترت سیاسی که متعاقب مرگ وی گریبان‌گیر دولت صفوی شد، مجال فعالیت و هنرآفرینی هنرمندان محدودتر گردید و بازار تولیدات هنری

آن چنان که باید و شاید گرم و پر رونق نبود. عرصه موسیقی از جمله هنرهایی بود که در زمان شاه عباس از توجه و اقبال کافی برخوردار گردید و هنرمندان شایسته‌ای را به جامعه هنری معرفی نمود. از آن میان اشخاص زیر از شهرت و شناختگی بیشتری نسبت به سایرین برخوردار می‌باشند. حضور ایت قبیل افراد از جایگاه و اهمیت هنر موسیقی در دولت صفوی و شأن و منزلت ایشان در نزد شاه عباس حکایت دارد.

- میرزا احمد کمانچه‌ای از نوازندگان برجسته این زمان در علم موسیقی و فن خویش یگانه آفاق بود و در خدمت شاه عباس اول عزت و احترام فراوان داشت (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۰۰/۱). میر صدرالدین محمد فرزند میرزا اشرف نستعلیق‌نویس و شاگرد مولانا مالک دیلمی، علاوه بر خوش‌نویسی در علم موسیقی و ادوار نیز دست داشته «در تصنیف قول و عمل، نادره کار و نقش‌های بدیعش مجلس آرای شکفته طبعان و زبانزد گویندگان روزگار است» (منشی ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۷۱/۱) نامبرده در زمان شاه عباس اول بسیار مورد التفات و توجه قرار داشته و ملتزم رکاب مقام شاهی بوده است. مولانا مطربی قزوینی «خلاصه اهل ادوار و در حسن صوت و گویندگی سرآمد روزگار و تصانیف قول و عملش، دستورالعمل نقش‌بندان نادره کار، استاد حیدرقلی عودی که سازنده تیز مضراب خوش‌نواز و ملازم سرکار عالی بود و خدام میرزایی پیوسته در مجالس خواص با اعزه مذکور صحبت داشته به شعرسنجی، تاریخ و نقل حکایات و روایات سرور افزای خاطر همگان بودند.» (همان، ج ۲: ۷۵۵-۵۶). شمس تیشی شیرازی در نوازندگی و نغمه‌پردازی دستی قوی داشت، زمانی که به اصفهان آمد، به دلیل داشتن صدای نیکو و آگاهی از موسیقی مورد توجه شاه عباس قرار گرفت تا آنجا که به دستور وی قهوه‌خانه‌ای برایش برپا ساختند. (بهوپالی، ۱۳۹۰: ۴۴۹/۱) ظاهراً شمس شیرازی بسیار مورد توجه و عنایت شاه عباس قرار داشته است، چرا که شاه صفوی مقرر داشته بود، جهت در امان بودن از مزاحمت عسس و داروغه اصفهان بر کف دست کسانی که در میخانه باباتیش باده‌نوشی می‌کردند مهری بزنند، تا به علامت آن مهر شناخته شوند (مشحون، ۱۳۸۰: ۲۹۲). با توجه به منع گاه‌گاهی باده‌نوشی در زمان شاه عباس اول، جایگاه و مرتبه شمس تیشی در نزد شاه عباس آشکار می‌گردد.

از دیگر نوازندگان معروف مجالس بزم شاه عباس میر فضل الله تنبور نواز بود که به خاطر آواز خوش و نیکو مورد عنایت شاه‌عباس قرار گرفته به حلقه مجلس‌نویسان شاه بار یافت و پس از چندی به وزارت غلامان شاهی رسید. افندی خواننده، حافظ نائی و حافظ جامی از رامشگران مخصوص شاه‌عباس بودند، که در سال ۱۰۱۷ هـ.ق به دستور وی برای آنان در یکی از محلات اصفهان خانه‌هایی بنا گردید و آن محله به محله نغمه مشهور شد. (فلسفی، ۱۳۷۱: ۱۷/۲-۶۱۶) ملک‌قاسم کمانچه‌ای و محمدرضا عودی از دیگر نوازندگان دربار شاهی بودند. آنچه در ارتباط با سرنوشت محمدرضا عودی بیان گردیده است نشان از حرمت و جایگاه هنرمندان در نزد شاهان صفوی و در عین حال عدم وجود تامین جانی حتی برای مقرب‌ترین هنرمندان دارد. در سال ۱۰۱۳ هـ.ق پس از آن که محمدرضا عودی از مجلس شاهی مست خارج شده و صورت محمدمزمان چراغ‌چی را بوسه داد، دو چشم خویش را توسط ملک‌قاسم عودی از دست داد «که چون از سازنده قباحتی سر زند جزای آن را سازنده می‌دهد.» (ملاجلال، ۱۳۶۶: ۲۷۵).

حافظ احمد قزوینی، حافظ جلال باخرزی، حافظ مظفر قمی، حافظ هاشم قزوینی، استاد محمد مومن عودی، استاد شهسوار چارتاری، استاد شمس شدرقویی، استاد معصوم کمانچه‌ای، استاد سلطان محمد تنبوره‌ای، استاد میرزا حسین تنبوری و استاد سلطان محمد چنگی، از دیگر فعالان عرصه خوانندگی و نوازندگی در عصر شاه عباس اول ذکر شده‌اند. (براون، ۱۳۶۹: ۱۱۸/۴). محمد بیگ خلیفه الخلفایی نیز از پنج‌تار نوازان عصر شاه عباس اول معرفی گردیده است (صادقی بیگ، ۱۳۲۷: ۷۳). حضور فعال و پر رنگ این هنرمندان برجسته از عنایت و توجه شاه صفوی به هنر موسیقی و حمایت او از هنرمندان این عرصه گواهی می‌دهد و هنر را مقوله‌ای وابسته به قدرت و در خدمت نهاد قدرت نشان می‌دهد.

موسیقی رزمی

همچون دوره‌های پیش از روی کار آمدن شاه‌عباس، موسیقی رزمی در این دوره نیز از جایگاه و اهمیت نسبتاً فراوان برخوردار بود. در موسیقی نظامی که به منظور تحریک احساسات میهن‌پرستی و ایجاد شجاعت و تهور میان سربازان و مدافعین در مقابل دشمنان

مورد استفاده قرار می‌گرفت، خصوصاً سازهایی به کار گرفته می‌شد که صدایی بلند، رسا، مهیب، با وقار و شکوه داشته باشد (خالقی، ۱۳۸۹: ۱۳۷؛ ۱۶۶: Shoberl, 1976). از این‌رو بیشتر سازهایی نظیر نای، سورنای، بوق، نغیر و طبل، نقاره و سنج در موسیقی نظامی کاربرد فراوان‌تر می‌یافتند (فارمر، ۱۳۶۸: ۱۱۲). به گفته کمپفر ایرانیان در صحنه جنگ بیشتر از شیپورهای دسته دراز و طبل‌های دستی در اندازه‌های مختلف استفاده می‌نمودند، که به عقیده وی آن‌چنان که بایسته تحریک و تشجیع و ایجاد هیجان در سربازان و نظامیان بود، عمل نمی‌نمود (کمپفر، ۱۳۶۳: ۴۹). از آن‌جا که موسیقی نظامی کارکرد مهمی داشت، معمولاً در دسته‌های بزرگ نواخته می‌شد و مقصود از اجرای آن نمایش شکوه، عظمت و تجمل شاهانه بود (شیلوا، ۱۳۹۰: ۵۶).

از نمونه‌های به کارگیری آلات موسیقی در میدان نبرد می‌توان از جریان حمله لشکریان شاه‌عباس در ذی‌الحجه ۱۰۱۴ ه‍.ق به قلاع ایروان و قراباغ یاد نمود. ظاهراً در این نبرد نواختن آلات مخصوص چون شیپور، طبل، کرنای، کوس، نای به‌عنوان عامل آگاهی دهنده و بیانگر آمادگی برای آغاز جنگ بود «نخست شیپور توپخانه به نعره، خواب‌آلودگان بستر غفلت را خبردار و بیدار کرد... به یک‌بار چندین توپ بزرگ، کوچک، خمپاره، بادلیج و چندین هزار تفنگ و شمشال به جانب قلعه و قلعه‌گیان شلیک یافت و آسمان را سیاه نمود و نغیر طبل، نای، کوس و کرنای به ماه برآمد (هدایت، ۱۳۳۹: ۸/۶-۱۳۷۵).

برخلاف موسیقی بزمی که بسیار مورد توجه و استفاده بود و در موقعیت‌های گوناگون کاربرد می‌یافت و از همین رو تعداد دست‌اندرکاران این نوع از موسیقی بسیار فراوان بود و در منابع به کرات از آنان یاد شده است، موسیقی رزمی به صحنه‌های جنگ و نبرد محدود می‌گردید و هدف از آن ارعاب دشمن و نمایاندن شکوه و عظمت خود به سپاه مقابل، یا آگاهانیدن سپاه خودی از آغاز نبرد بوده و به صورت دسته جمعی و در گروه‌های بزرگ اجرا می‌گردیده است. در خصوص این گونه از موسیقی اطلاع بسیط و کافی در منابع موجود یافت نمی‌شود.

وجود نقاره‌خانه در جنگ عامل مهمی جهت ارعاب دشمنان، فراخوانی و وحدت نیروهای خودی به‌شمار می‌رفت. طبل اعلان جنگ (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۵۴۳)، طبل فرار

(استرآبادی، ۱۳۶۴: ۱۶۲)، طبل اعلان شکست و طبل بشارت و بازگشت، از موارد کاربرد نقاره‌خانه در جنگ ذکر شده است. از دست دادن نقاره‌خانه در اصل به مفهوم از دست دادن امکان فراخوانی سربازان بود، چرا که با نواختن نقاره، سپاه دوباره آرایش خود را به دست می‌آورد و از حالت پراکندگی خارج می‌شد، از دست رفتن نقاره‌خانه احتمال شکست را بیشتر می‌نمود (عالم آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۴۹۶).

نتیجه

هرچند ممکن است در نگاهی سطحی به موسیقی عصر صفوی این برداشت به ذهن متبادر گردد که موسیقی این دوره نیز همچون دیگر هنرهای این عصر، به دلیل برخی ملاحظات و محدودیت‌های مذهبی از رونق و اقبال چندانی برخوردار نبوده است، اما این نظر فقط به مدت زمان محدودی از عصر حکومت شاه‌تهماسب اول و شاه سلطان حسین صفوی مرتبط می‌باشد و تعمیم آن به کل دوره صفوی با توجه به آثار و شواهد موجود آن عصر چندان معقول و پذیرفتنی نمی‌نماید. درخصوص پویایی و بالندگی هنر موسیقی باید گفت که رسالات متعددی در این عصر به نگارش درآمد که هر چند محتوای آنها نسبت به رسالات نوشته شده در قرون قبل از روی کار آمدن دولت صفوی، حرف تازه‌ای برای گفتن نداشته‌اند و این امر تا اندازه فراوانی معلول و نمایانگر غنی بودن رساله‌های به نگارش درآمده توسط افرادی چون عبدالقادر مراغه‌ای و صفی‌الدین ارموی می‌باشد، اما در عین حال تلاش، فعالیت و تحرک موسیقی‌دانان این عصر برای ارائه رسالات موسیقی را پنهان نمی‌دارد. به هر روی شاه‌عباس اول پس از بر تخت نشستن و حل کردن تدریجی مشکلات داخلی و خارجی، توجهی درخور به هنرهای گوناگون از جمله هنر موسیقی نشان داد. این میزان از توجه و عنایت نه تنها به خاطر نمایاندن عظمت، شکوه و توانمندی دولت صفوی صورت پذیرفت، بلکه انعکاس خواست‌ها و منویات شخصی او در برخورداری جامعه از یک زندگی شاد و مفرح و پویا نیز به‌شمار می‌رود. در دوران حکومت شاه‌عباس اول و به دلیل حمایت، تشویق و اعزاز هنرمندان از جمله خوانندگان و نوازندگان، دست اندرکاران عرصه موسیقی از جایگاه و اهمیتی درخور توجه برخوردار گشتند و در سایه چنین علاقه و پشتیبانی موفق به خودنمایی و عرضه هنر و توانایی خود گردیدند.

اگرچه می‌توان از موسیقی رزمی و در میزان بسیار محدودتری موسیقی مذهبی در ایام فرمانروایی شاه‌عباس اول و توجه او به این نوع از موسیقی اشاره نمود، اما موسیقی بزمی، مجلسی یا مطربی بزرگترین بخش از عرصه هنر موسیقی را به خود اختصاص داده و بیشترین توجه و اقبال را به خود جلب نموده بود. موسیقی مجلسی از رواج و رونق فوق‌العاده در مراسم گوناگون چون ازدواج، اعیاد و جشن‌های گوناگون، استقبال از سفرا و میهمانان خارجی، پیروزی در جنگ بر دشمنان برخوردار بوده و این همه را می‌توان انعکاس رغبت، اشتیاق و توجه شاه‌عباس اول به نمایش شکوه، رونق و عظمت حکومت خویش از طریق حمایت از هنر موسیقی و هنرمندان این عرصه به‌شمار آورد. هنر موسیقی و نهاد قدرت در این زمان را می‌توان در رابطه‌ای دو سویه نشان داد. رابطه‌ای که در آن اهداف و خواست مقام شاهی در تعیین خطمشی هنری و نحوه فعالیت هنرمندان تأثیری شایسته و فراوان داشت.

منابع و مأخذ

- ۱- افوشته‌ای نطنزی، محمد بن هدایت‌الله (۱۳۷۳)، *نقاوه الأثر فی ذکر الاخیار*، به کوشش احسان اشراقی، تهران، علمی فرهنگی.
- ۲- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر (۱۳۸۰)، *خنیانگری و موسیقی در ایران*، تهران، آرون.
- ۳- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۸)، *تذکره عرفات‌العاشقین*، تصحیح: محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، ج ۵، ۴، ۱.
- ۴- براون، ادوارد (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ترجمه: بهرام مقدادی، تهران، مروارید، ج ۴.
- ۵- بلو، دیوید (۱۳۹۰)، *شاه عباس، پادشاه سنگدلی که به افسانه بدل شد*، ترجمه: شهربانو صارمی، تهران، ققنوس.
- ۶- بهوپالی، سید محمدعلی (۱۳۹۰)، *تذکره صبح گلشن*، تصحیح: مجتبی برزآبادی، تهران، اوستا، ج ۱.
- ۷- بیات، اروج‌بیگ (۱۳۳۸)، *دوون ژوان ایرانی*، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- ۸- حسینی‌قمی، احمد بن شرف‌الدین (۱۳۵۹)، *خلاصه‌التواریخ*، تصحیح: احسان اشراقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱ و ۲.
- ۹- خالقی، روح‌الله (۱۳۸۹)، *نظری به موسیقی ایران*، به کوشش ساسان سپنتا، تهران، صفی علی شاه.
- ۱۰- دلاواله، پیتر (۱۳۷۰)، *سفرنامه دلاواله*، ترجمه: شعاع‌الدین شفا، تهران، علمی فرهنگی.
- ۱۱- رومر، اچ، آ و دیگران (۱۳۹۰)، *تاریخ ایران کمبریج دوره صفوی*، ترجمه: تیمور قادری، تهران، مهتاب، ج ۶ قسمت دوم.

- ۱۲- زندباف، حسن (۱۳۷۹)، *جامعه شناسی هنر موسیقی*، تهران، گنجینه فرهنگ.
- ۱۳- سیوری، راجر (۱۳۷۹)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران، مرکز.
- ۱۴- شاملو، ولی قلی بن داود (۱۳۷۲)، *قصص الخاقانی*، تصحیح: حسن سادات ناصری، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ج ۱.
- ۱۵- شیلوا، ای (۱۳۹۰)، *موسیقی در جهان اسلام*، ترجمه: مهرداد وحدتی، تهران، بصیرت.
- ۱۶- صادقی بیگ افشار (۱۳۲۷)، *تذکره مجمع الخواص*، ترجمه: عبدالرسول خیام پور، تبریز، اختر شمال.
- ۱۷- عبدالومن بن صفی الدین، (۱۳۴۶)، *رساله موسیقی بهجت الروح*، مقدمه رایینو برگاماله، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۸- *عالم آرای صفوی* (۱۳۶۳)، [بی نام]، به کوشش یداله شکری، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۱۹- عاملی، بهاء الدین محمد عاملی (۱۳۷۴)، *کشکول*، ترجمه: بهمن رازانی، تهران، زرین.
- ۲۰- فارمر، جورج، مری بویس (۱۳۶۸)، *دو گفتار درباره موسیقی و خنیاگری در ایران*، ترجمه: بهزاد باشی، تهران، آگاه.
- ۲۱- فلسفی، نصرالله (۱۳۶۴)، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران، انتشارات علمی، ج ۱ و ۲.
- ۲۲- فومنی، عبدالفتاح (۱۳۴۹)، *تاریخ گیلان*، تصحیح: منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۳- فیگوتروا، دن گارسیا دوسیلوا (۱۳۶۳)، *سفرنامه دن گارسیا*، ترجمه: غلامرضا سمیعی، تهران، نو.

- ۲۴- کاتف، فِدْت (۲۵۳۶)، *سفرنامه کاتف*، ترجمه محمدصادق همایون‌فرد، تهران، کتابخانه ملی.
- ۲۵- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه: کیکاوس جهان‌داری، تهران، خوارزمی.
- ۲۶- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹)، *کاروان هند*، مشهد، آستان قدس.
- ۲۷- مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۴۰)، *جامع مفیدی*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اسدی، ج ۳.
- ۲۸- مستوفی، محمدمحسن (۱۳۷۵)، *زبده‌التواریخ*، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- ۲۹- مشحون، حسن (۱۳۸۰)، *تاریخ موسیقی ایران*، تهران، فرهنگ نشر نو.
- ۳۰- مموار (۱۳۳۰)، *سفرنامه برادران نسرلی*، به کوشش احمد مشیر، تهران، چاپخانه برادران باقرآف.
- ۳۱- منجم یزدی، ملاجلال (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی (روزنامه ملاجلال)*، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، بی‌جا، وحید.
- ۳۲- منشی ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۵۰)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تهران، چاپ گلشن، ج ۱ و ۲.
- ۳۳- میثمی، حسین (۱۳۸۹)، *موسیقی عصر صفوی*، تهران، فرهنگستان هنر.
- ۳۴- نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۸)، *تذکره نصرآبادی تذکره‌الشعرا*، تصحیح: محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، ج ۱ و ۲.
- ۳۵- نصیری، محمدابراهیم (۱۳۷۳)، *دستور شهریاران*، به کوشش نادر نصیری مقدم، تهران، بنیاد موقوفات ایرج افشار.

- ۳۶- واله داغستانی، علی‌قلی خان (۱۳۸۴)، *تذکره ریاض‌الشعراء*، تصحیح: محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، ج ۱.
- ۳۷- وقاری طوسی، مولانا محمد امین (۱۳۸۴)، *گلدسته اندیشه*، منشآت مولانا محمد امین وقاری، به کوشش محمدرضا ابویی مهریزی، یزد، اندیشمندان.
- ۳۸- ولش، آنتونی (۱۳۸۵)، *شاه‌عباس و هنرهای اصفهان*، ترجمه: احمدرضا تقاء، تهران، فرهنگستان هنر.
- ۳۹- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹)، *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*، تهران، کتابفروشی مرکزی، پیروزی، خیام، ج ۸.

- 1- Blunt, Wilfred (1996), *Isfahan Pearl of Persia*, Elek Book, London.
- 2- Farhat, Hormoz (1973), *The Traditional art of Music*, Tehran, High Council of culture and art.
- 3- Shoberl, Fredric (1976), *Persia in Miniature*, Tehran, offset press.